

راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضد انقلاب مسلح در استان سیستان و بلوچستان از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۸

سید مهدی حسینی^۱، محسن صادقی نسب^۲

تاریخ دریافت ۱۴۰۵/۰۵/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

چکیده

مطالعات مبتنی بر پژوهش‌ها و روش‌های راهبرد پژوهی تاریخی و اسنادی و همچنین برخی از روش‌های کیفی دیگر، نشان داده‌اند که می‌توان طرح‌ها، تصمیم‌ها و اقدامات نسبتاً منظم و پرتکرار یک واحد سیاسی را کشف و فرموله کرد. در این پژوهش مبتنی بر روش کیفی تحلیل مضمون و استفاده از بهره نظری و همچنین با بهره‌گیری از اسناد بالادستی و مصاحبه‌های هدایت شده از صاحب‌نظران و کارشناسان، اقدام به کشف راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضد انقلاب مسلح در استان سیستان و بلوچستان از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۸ نمودیم. بر همین اساس، نتایج این تحقیق که شامل راهبردهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضد انقلاب مسلح از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۸ در استان سیستان و بلوچستان می‌باشد، به قرار ذیل استحصالی شد. «راهبردهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی» و همچنین «راهبردهای سیاسی، حقوقی - قضائی» به مثابه راهبردهای نرم و «راهبردهای اطلاعاتی و امنیتی»، به مثابه راهبردهای نیمه - سخت و «راهبردهای نظامی» به مثابه راهبردهای سخت؛ ذیل شناسهٔ والد «راهبردهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضد انقلاب مسلح» قرار می‌گیرند. در این تحقیق؛ با توجه به یافته‌های حاصل از کدگذاری متون، درصد سهم هر یک از راهبردها شامل، راهبردهای مسلحانهٔ سخت و نیمه سخت عبارت است از: راهبرد نظامی ۳۲.۳۲ درصد؛ راهبرد امنیتی ۳۷.۳۸ درصد و راهبرد اطلاعاتی ۲۴.۲۴ درصد از حجم راهبردها را تشکیل داده است.

واژگان کلیدی: راهبردهای سخت، راهبردهای نیمه سخت، راهبردهای نرم و تروریسم

۱ - عضو هیئت علمی دانشگاه پاسداری امام حسین (علیه السلام).

۲ - استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش نویسنده مسئول dr.sadeqi30@gmail.com

مقدمه

از روزهای اول پیروزی انقلاب اسلامی، تمرکز استکبار و قدرت‌های جهانی و دنباله‌های منطقه‌ای آن نسبت به سوءاستفاده از شرایط مناطق حضور اقوام و اقلیت‌های دینی، مذهبی ایران اسلامی، به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان پررنگ تر شد. به میزان برجستگی هویت قومی، مذهبی در استان سیستان و بلوچستان -که موجد و متضمن افتراق، اختلاف و رقابت و در نتیجه مستعد خشونت و درگیری است- این استان را برای بیگانگان، همچون ابزاری ارزان، برای تضعیف و تجزیه کشور مهیا کرده بود. با توجه به ماهیت الگو و مدل مقاومت‌پایه انقلاب اسلامی و تمایزات و تفاوت‌های اصولی در ذات آن، با ماهیت الگو و معنای اداره حکومت با مدل‌های متعارف سپهر سیاست و امنیت امروز جهان، به رغم ارزشمندی و قابلیت بهره‌مندی نظریه‌های موجود در مطالعات جامعه‌شناسانه تأمین امنیت که در این پژوهش ما نیز بهره‌مند خواهیم بود، کفایت تدوین راهبرد امنیتی در مناطق استقرار و میدان منازعه ضدانقلاب مسلح را نخواهد داشت. بنابراین در این نوع از تدوین راهبرد امنیتی، نقش اسناد و تجربیات گذشته؛ در روش تحقیق و تحقق و استحصال و اخذ گزاره‌های علمی بسیار برجسته خواهد بود. علی‌ای حال، اخذ و تدوین راهبرد امنیت پایدار نیز منوط به بهره‌مندی از تجربیات کارآمد و اثربخش نسبی نظام در گذشته دارد. بنابراین، شناخت از آنچه در این سال‌ها بر امنیت مناطق استقرار و میدان منازعه ضدانقلاب مسلح، گذشته است، می‌تواند برای کارگزاران امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران، مبنای مقایسه قابل اتکایی به‌منظور درک دقیق‌تر تابع رشد امنیت- مثبت و یا خدای ناکرده منفی- نسبت به دهه اول انقلاب و ملاک و مناط درس‌آموزی و گریز از آسیب‌ها و تهدیدات برای آیندگان باشد. هدف اصلی پژوهش شناخت و احصاء «راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضد انقلاب مسلح در استان سیستان و بلوچستان در بازه زمانی بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۸» می‌باشد. به‌رغم گونه‌گونی تجربیات ذی‌قیمت صدرالاشاره در امنیت‌زایی و ثبات نسبی، به نظر می‌رسد که این تجربیات، دارای درون مایه نسبتاً مشترک و شناسا شونده و قابل احصاء باشند که از سینه فرماندهان، مدیران امنیتی و ارشد نظام و

گاه خبرگان تجربی و علمی قابل احصاء باشد. به همین دلیل لازم است وفق روش آکادمیک متناسب، کارآمد و معتبر و رفتار به مثابه راهبرد کلی از مصاحبه و اسناد و سایر منابع اخذ، دسته‌بندی و قاعده‌مند گردد و به اقتضای کشف راهبرد به صورت منسجم پاسخ‌یافتهای چپستی راهبردهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در استان سیستان و بلوچستان در مقابله با ضد انقلاب مسلح از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۹۸، می باشد. از این رو سوال اصلی پژوهش؛ راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضد انقلاب مسلح در استان سیستان و بلوچستان در بازه زمانی بدو پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۸ چه بوده است.

مبانی نظری

پیشینه پژوهش (سابقه پژوهش‌ها و نتایج بدست آمده در داخل و خارج از کشور)

محمود افشاری ۱۳۹۴ "نقش پاکستان در ایجاد ناامنی در استان سیستان و بلوچستان" در مقطع کارشناسی ارشد در در دانشکده پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) وی در این پایان نامه در پاسخ به این سؤال که پاکستان در ایجاد ناامنی در استان سیستان و بلوچستان چگونه نقش ایفا می‌کند؟ از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل موضوع پرداخته و به این نتیجه رسیده است که پاکستان از طریق تهدیدات سه گانه (افراط گرایی و تجزیه طلبی، بی ثباتی سیاسی و حمایت از حضور نظامی آمریکا در منطقه و مواد مخدر) در ایجاد و بروز ناامنی در این استان نقش دارد.

امیرعنایتی در پایان نامه ۱۳۹۳ «علل شکل‌گیری سلفی‌گری در ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» وی با طرح سؤال علل شکل‌گیری سلفی‌گری در ایران چیست و گسترش این جریان چه تأثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ با ارائه روش توصیفی-تحلیلی گفته اند که مطالعات انجام شده در این راستا نشان می‌دهد که در جامعه‌ای با ویژگی‌ها و شاخصه‌های ژئوپلیتیکی ایران وجود اقوام مختلف، علاوه بر این که محاسن ویژه‌ای دارد، اما با نداشتن راهبرد مناسب، این امکان که می‌تواند امتیازی برای کشور باشد، به ضد خود تبدیل شده و به مثابه تهدیدی جلوه نماید. با توجه به رویکرد

اصلی این پژوهش، فعالیت گسترده گروه‌های سلفی در کشورهای همسایه و بسط روزافزون این گونه اقدامات و فعالیت‌ها، چنانچه در آغازین سال‌های اشاعه جریان، مهار و چاره‌اندیشی نشود، در آینده می‌تواند بحران مخرب بر امنیت ملی و هویت وجودی کشور شود و مجموعه اقدامات مبلغان سلفی‌گری در کشورهای پیرامونی به همراه حمایت برخی دولت‌های منطقه خصوصاً کشورهای حاشیه خلیج فارس زمینه طرفداران این جریان، روزبه‌روز افزایش می‌یابد و فرصت مناسبی برای اقدامات وحدت‌شکنانه نیروهای بداندیش و اخلاص‌گر و تضعیف وحدت ملی و حاکمیت دولت بر کشور را فراهم می‌سازد، و راهکارهایی چون لزوم مطالعه بنیادین پیرامون، جریان بصیرت‌دهی عمومی، مقابله و ریشه‌کنی فقر و بیکاری و جلوگیری از تبعیض و.. می‌تواند در جلوگیری از گسترش و عدم اقبال عمومی به جریان مذکور واقع شود.

سید یوسف قریشی و هادی صادقی، ۱۳۹۷ در فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۵ سال ۱۳۹۷ به چاپ رسید، مقاله‌ای تحت عنوان "انگاره همبستگی قومیت بلوچ پاکستان و تأثیرات آن بر قومیت بلوچ در شرق ایران" در پاسخ به این سؤال که قومیت بلوچ پاکستان چگونه سعی کرده اند روند گسستگی اجتماعی و سیاسی قومیت بلوچ در ایران را متأثر کنند؟ از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل ابعاد قومیتی و سیاسی و هویتی بلوچ ساکن در پاکستان و تأثیر رویکردهای این قوم را بر تحولات قومیتی بلوچ ساکن در استان سیستان و بلوچستان ایران پرداخته و به این نتیجه رسیده است که قومیت بلوچ پاکستان سال هاست که با اتکا بر نوعی قوم‌گرایی درصدد شکل دهی به ملی‌گرایی سرزمینی برآمده است. اما قومیت بلوچ استان سیستان و بلوچستان معمولاً از چنین اقداماتی پیروی نمی‌کند و وفاداری خود را به زبان و ملیت فارسی و ایرانی نشان داده اند و عناصر دولت ملی را هویت بخشیده اند.

معصومه دهمرده، (۱۳۹۵)، «نقش کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در ناامنی‌های مرزهای جنوب شرقی ایران». وی در این مقاله که در اولین همایش ملی توسعه ناحیه ژئوپلیتیک جنوب شرق ایران در دانشگاه زاهدان ارائه نمود. محقق در این مقاله در پاسخ به این سؤال

که نقش کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ناامنی‌های مرزهای جنوب شرقی جمهوری اسلامی چه می‌باشد؟ از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی و تحلیل بررسی نقش کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ناامنی‌های مرزهای جنوب شرقی جمهوری اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مهم‌ترین تهدیدات مرزهای جنوب شرقی با منشأ خارجی: حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس (عربستان) از جریان‌ات افراطی مذهبی، بی‌ثباتی سیاسی و ناآرامی در کشورهای افغانستان و پاکستان، حضور مستقیم آمریکا (اطلاعاتی و عملیاتی) در کشورهای همسایه جهت فشار بر ایران، ضعف شدید زیرساخت‌های اقتصادی در پاکستان به ویژه ایالت پاکستان و تأثیرات آن بر منطقه بلوچستان ایران، تأسیس پایگاه نظامی در مناطق همجوار مرز شرقی توسط آمریکا، حمایت سرویس اطلاعاتی پاکستان از جریان‌ات تروریستی منطقه، منازعات فرقه‌ای در پاکستان می‌باشند.

محمد رضا شعبانی اصل، «بررسی ساختارهای سیاسی اثرگذار بر امنیت استان سیستان و بلوچستان» این مقاله، به مدل تحلیلی فرایند تبدیل پدیده اجتماعی به بحران امنیتی پرداخته است و ادعان دارد که هر "پدیده اجتماعی" در هر جامعه (ایرانی) در فرایند "گذاری صعودی" از فضای اجتماعی به فضای سیاسی و سپس در صورت داشتن ظرفیت، قابلیت ورود به فضای امنیتی را دارد. ترجمه عینی این فرایند، صعود سریع هر پدیده اجتماعی، از فضای اجتماعی تا فضای امنیتی و در نتیجه امنیتی دیدن حوادث اجتماعی و رخدادهای سیاسی است.

سید مهدی حسینی، (۱۳۹۵)، شناخت موانع دستیابی تدوین راهبرد امنیت پایدار در استان سیستان و بلوچستان. پروژه شناخت موانع دستیابی به تدوین راهبرد امنیت پایدار در استان سیستان و بلوچستان توسط اعضای گروه علمی شهید قلنبر تنظیم و تبویب شد و به الزامات؛ ضرورت و شاخص‌های تدوین راهبرد امنیت در استان سیستان و بلوچستان پرداخت. در طرح ملی راهبرد امنیتی استان سیستان و بلوچستان گفته شد: به نظر می‌رسد خاستگاه رادیکالیسم مذهبی اهل سنت و تروریسم برخاسته از آن، در حوزه جغرافیایی استان سیستان و بلوچستان است و همچنین وضعیت تهدیدزای استان، حاصل فقدان

توسعه متوازن و همه‌جانبه است. به همین ملاحظات، راه حل دست‌یابی به امنیت پایدار مردمی، درگام نخست، اجرای توسعه پایدار در استان است. امنیت خود بنیاد راه حل اساسی استان برای استقرار امنیت پایدار است و این نوع از امنیت از طریق توسعه همه‌جانبه متوازن روی خواهد داد. با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی استان، مفهوم وابستگی متقابل امنیتی اصلی‌ترین مفهوم نظری این طرح است. وابستگی متقابل امنیتی در استان ایجاد امنیت مشترک را ضروری می‌سازد. امنیت مشترک در استان به شکل تعاونی قابل اتباع است و امنیت تعاونی از طریق مشارکت و همکاری همه اقشار به دست می‌آید. مشارکت و همکاری در استان هنگامی پدید می‌آید که همگرایی و صلح فرهنگی میان مردم و اقوام استان برقرار باشد. دانشگاه عالی دفاع ملی، (۱۳۹۵)، شناخت موانع دستیابی به تدوین راهبرد امنیت پایدار در استان سیستان و بلوچستان

در طرح تحقیقاتی با عنوان "تدوین راهبرد آمایش سرزمین در منطقه جنوب شرق کشور ج.ا.ا." که در دانشگاه عالی دفاع صورت گرفته، محققین جهت دستیابی به استراتژی‌های بهینه آمایش سرزمین در این منطقه از منظر امنیت ملی، ابتدا با مطالعه اصول و ابعاد آمایش سرزمین و تلفیق و ترکیب مؤلفه‌های قدرت ملی با ابعاد آمایش، متغیرهای تحقیق را مشخص و مطالعات نظری خود را پیرامون محورهای سرزمین، اقتصاد، جغرافیا، انطباق فرهنگی و مدیریت به انجام رساندند ولی هیچ‌گونه اشاره‌ای به راهبردهای تأمین امنیت پایدار و موانع دستیابی به آن در استان سیستان و بلوچستان در گذشته و آینده نپرداخته‌اند. سید مهدی حسینی، (۱۳۹۴)، گونه‌شناسی سلفیت در جهان اسلام، دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، این پژوهش به گونه‌ای مبسوط نحله‌های مختلف سلفیت در جهان اسلام و در ج.ا.ا. را مورد کنکاش علمی قرار داده است. سید مهدی حسینی، (۱۳۹۳): پروژه همگرایی در جنوب شرق، دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام).

مفاهیم مشترک و افتراق با این پژوهش: عمده تفاوت و نوآوری این پژوهش در روش تاریخی اخذ جواب‌های موجه در قبال پرسش اساسی تحقیق که عبارت بود از: راهبرد و یا راهبردهای نظام جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضد انقلاب مسلح در چهار دهه بعد

از انقلاب بوده است؛ که کشف راهبرد روشمند قابل اتکا در این خصوص تا بحال دیده نشده است.

راهبرد سخت: در این تحقیق به مجموعه اقدامات کلان اعمال شده مبتنی بر ارزش‌ها و سیاست‌های نظام ج.ا.ا. با استفاده از ابزارها و روش‌های نظامی (اسلحه گرم و آتشین و سرد) با هدف نابودی، تخریب، ایجاد اجبار و تسلیم جهت مقابله با ضد انقلاب مسلح گفته می‌شود.

راهبرد نیمه سخت: در این تحقیق به مجموعه اقدامات کلان (مکمل) اعمال شده مبتنی بر ارزش‌ها و سیاست‌های ج.ا.ا. با استفاده از ابزارها و روش‌های اطلاعاتی و امنیتی جهت نیل به اهداف نهایی دستگیری و برخورد قضایی و تنبیهی مقابله با ضد انقلاب مسلح گفته می‌شود.

راهبرد نرم: در این تحقیق به مجموعه اقدامات کلان (مکمل) اعمال شده مبتنی بر ارزش‌ها و سیاست‌های ج.ا.ا. با استفاده از ابزارها و روش‌های غیر نظامی (مذاکره، اقدامات فرهنگی، تبلیغات، عملیات روانی و...) با هدف تغییر نگرش و رفتار -مبتنی بر اقناع- جهت نیل به اهداف نهایی مقابله با ضد انقلاب مسلح، گفته می‌شود.

ضد انقلاب: گروه‌های مسلحی که علیه ج.ا.ا. اقدامات تروریستی مسلحانه انجام داده اند؛ اعم از گروه‌های مسلح قومی و مذهبی.

سیاست دفاعی: در معانی متفاوتی بهره گرفته می‌شود؛ در معنای اول؛ سیاست دفاعی عبارت است از خط مشی‌های کلی (اعم از نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره) یک دولت به منظور دفع تهدیدهای امنیتی. برخی سیاست دفاعی را اینگونه تعریف کرده‌اند، فرآیند هماهنگ کردن اهرم‌ها و ابزارهای قدرت و امنیت، نظیر جنگ روانی، رقابت‌های علمی و تکنولوژیک و سایر موارد در جهت دفع تهدیدها و تامین اهداف امنیت ملی را گویند از این نظر سیاست دفاعی با اصطلاحات همچون سیاست امنیت ملی و راهبرد ملی مترادف است (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۶).

سیاست دفاعی به مثابه سیاست نظامی: سیاست دفاعی عبارت است از آن بخش از سیاست‌های یک دولت که بیشتر متوجه مسائل نظامی است از این دیدگاه سیاست دفاعی معادل سیاست نظامی است و در کنار دیگر سیاست‌های دولت مانند سیاست اقتصادی و سیاست آموزشی قرار می‌گیرد (حسینی، ۱۳۷۶: ۱۷) به نظر می‌رسد، تعریف سیاست دفاعی به معنای دوم یا همان سیاست نظامی صحیح‌تر باشد. همانطور که مشخص است قلمرو سیاست دفاعی قلمرو سیاست‌های دولتی است بنابراین برداشت ما از سیاست دفاعی، برداشتی دولت محور دارد.

راهبرد عملیاتی: که عبارت است از علم و هنر توزیع و به‌کارگیری نیروی نظامی برای دستیابی به اهداف راهبردی (حسینی، ۱۳۷۶: ۹۱).

راهبرد نظامی: در میان سطوح استراتژی، مفهوم استراتژی نظامی شاید مجادله انگیزترین آنهاست. دستکم می‌توان دو برداشت افراطی از استراتژی نظامی را نمونه آورد. یک برداشت، آنقدر استراتژی نظامی را محدود می‌کند که معتقد است در بسیاری موارد، فرق بین استراتژی نظامی و استراتژی عملیاتی وجود ندارد و این دو می‌توانند یکی باشند و برداشت افراطی دیگر این است که استراتژی نظامی را شامل موارد گسترده‌ای از تصمیمات استراتژیک می‌داند که عبارت است از: «تعیین ماهیت، خصوصیات و شرایط وقوع انواع گوناگون جنگها؛ تئوری تشکیلات مسلح، ساختار آنها و توسعه یک سیستم تجهیزات نظامی و تسلیحات؛ تئوری برنامه‌ریزی استراتژیک؛ تئوری قشون آرایی استراتژیک، برقراری گروه بندی استراتژیکی و حفظ آمادگی جنگی نیروهای مسلح؛ تئوری آمادگی اقتصادی و کشور به طور کلی برای جنگ در تمام جهات که شامل آماده ساختن مردم از جنبه‌های روحی و حفظ آرامش نیز می‌شود؛ همین طور تهیه ذخایر پشتیبانی از نظر اسلحه و مهمات، تجهیزات جنگی و سایر منابع مادی؛ توسعه روش‌های رهبری و هدایت مبارزات نظامی و انواع و اشکال عملیات استراتژیکی؛ مشخص ساختن اشکال و روشهای رهبری استراتژیکی نیروهای مسلح و توسعه سیستم‌های فرماندهی؛ مطالعه و تحلیل و شناخت دشمن احتمالی؛

تئوری نتایج ممکن از جنگ که عبارت است از علم و هنر توسعه و بکارگیری نیروی نظامی برای دستیابی به اهداف سیاسی-نظامی.

در دوران اخیر امریکایی‌ها به دلیل توسعه طلبی و داشتن سناریوهای نظامی برای نقاط مختلف دنیا در یک زمان، اصطلاح راهبرد صحنه را به عنوان راهبرد نظامی یک صحنه جنگ ابداع کردند (دانش نامه آزاد ویکی پدیا). البته سابقا این مفهوم اغلب به منظور القای مفهوم بکارگیری نیروهای نظامی و تحرکات آن به کار می بردند. کارل فون کلاوزویتس، راهبرد نظامی را به کارگیری نیروها در جهت کسب پیروزی نهایی در جنگ تعریف می کند. دیدگاه کلاوزویتسی برای تبیین نقش راهبرد در جنگ و منازعه مناسب است، ولی امروزه بازیگران گوناگونی وارد میدان جنگ شده اند؛ بازیگرانی مانند گروه های تروریستی، مافیایی، شورشی، شبه نظامیان و مانند آن ها، صحنه منازعات را بسیار متفاوت تر و پیچیده تر از گذشته نموده اند. به دلیل این پیچیدگی ها، رهنامه ی نظامی آمریکا نگاه دیگری به مقوله راهبرد دارد. در این رهنامه، راهبرد عبارت است از «هنر و علم توسعه، و به کارگیری و ایجاد هماهنگی میان ابزارهای قدرت ملی (دیپلماتیک، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و اطلاعاتی) برای دست یابی به هدف هایی که به حفظ امنیت ملی می انجامد». این تعریف متفاوت تر و جامع تر از تعریف های قدیمی تر است، زیرا در کنار عنصر نظامی به دیگر عناصر لازم برای رسیدن به هدف نیز توجه می کند.

در تدوین راهبرد نظامی چند محور بسیار مهم هستند، این چند محور عبارتند از هدف، منابع و وسیله، و روش؛ هدف، اغلب توسط مقامات دولتی و سیاسی تعیین می شود و تصمیم گیرندگان استراتژی نظامی حق تصمیم گیری مستقل یا تغییر در آن را ندارند. اهدافی مانند دفع تجاوز دشمن، آزاد کردن سرزمین های کشور از اشغال سربازان دشمن، یا ارباب دشمن از طریق نمایش نیرو و مانور و غیره از جمله این اهداف سیاسی- نظامی هستند. البته نداشتن حق تصمیم گیری توسط نظامیان در تعیین هدف، به معنای عدم دخالت مطلق آنها نیست، چون تصمیم گیری دولتمردان در مورد بدست آوردن یک هدف از طریق قدرت نظامی، به امکان پذیر بودن تحقق آن با این ابزار بستگی کامل دارد و این

نظامیان هستند که معمولاً در مورد قابلیت تأمین آن اهداف خاص از نظر نظامی یا تطابق هدف با منابع و ابزار و همچنین پیامدهای نظامی و هزینه‌های بعدی بکارگیری نیروی نظامی نظر می‌دهند. تصمیم‌گیرندگان استراتژی نظامی یک سری اهداف استراتژیک را تعیین می‌کنند. این اهداف استراتژیک، اهدافی هستند که با تأمین آنها، کل هدف سیاسی-نظامی حاصل می‌شود و بنابراین نقش حیاتی و تعیین کننده‌ای در تأمین این هدف دارند. مساله دیگر که در فرآیند تصمیم‌گیری استراتژیک مهم است، عنصر ابزار و منابع است؛ عده‌ای معتقدند که بحث و تصمیم‌گیری در مورد ابزارها و منابع، به طور مستقیم در حوزه استراتژی قرار نمی‌گیرد و استراتژیست باید با توجه به ابزارهایی که در دسترس او قرار داده شده، به طراحی تلاش‌های مناسب برای تأمین اهداف بپردازد. پاسخی که به این اشکال می‌توان داد این است که اغلب اینگونه نیست. در واقع در یک تقسیم بندی، ما می‌توانیم دو نوع (یا دو نمونه اعلای) استراتژی را از هم تشخیص دهیم. نمونه اول، استراتژی منبع محور است. در این استراتژی، تمام تلاش باید بر آن باشد که بر مبنای منابع موجود، اهداف را تعیین کرده و استراتژیست، بهترین روشها را (با رعایت حداکثر اصل اقتصاد نیرو) برای استفاده بهینه از آن منابع بکار گیرد و آمادگی لازم را برای پیشنهاد تعدیل در هدف تعیین شده باشد. البته حتی در این وضعیت هم، استراتژیست مجبور است تا از میان منابع موجود، ترکیب بهینه‌ای را انتخاب و سازماندهی کند. هنگامی که کلاوزویتز، تصمیم‌گیری در مورد حجم و اندازه نیروهای نظامی را رکن حیاتی استراتژی می‌داند، منظور وی چنین انتخاب و ترکیب بهینه‌ای است. اما نظر کلاوزویتز را به گونه وسیع‌تری نیز می‌توان تفسیر کرد و آن استراتژی هدف محور است. استراتژیست باید در پی طراحی و یافتن بهترین ابزار و منابع برای دستیابی به آن هدف باشد.

نکته‌ای دیگری نیز که باید اضافه شود آن است که در عمل، هیچ استراتژی‌ای نه کاملاً هدف محور است نه منبع محور، بلکه استراتژی‌های گوناگون، اغلب در طیفی میان این دو حد قرار دارند. می‌توان گفت که استراتژی‌هایی که در زمان صلح طراحی می‌شوند، بیشتر هدف محور هستند، چون در این استراتژیها، زمان لازم برای توسعه منابع وجود دارد، اما

استراتژی‌های زمان جنگ، بیشتر منبع محور هستند چون برای توسعه و ایجاد منابع جدید فرصت کمتری وجود دارد و حداکثر، استراتژیست‌ها باید به بسیج منابع بالقوه اقدام کنند. عنصر بعدی در تصمیم‌گیری استراتژیک نظامی، عنصر روش است. بحث از روش، در واقع بحث از چگونگی استفاده از منابع برای دستیابی به اهداف است. این بحث، سنتز کننده دو محور قبلی، یعنی محور اهداف و محور منابع نیز هست چون هنگامی که در استراتژی، بحث از چگونه استفاده کردن می‌کنیم، همزمان به نوع منبع و مکان بکارگیری اشاره می‌کنیم (حسینی، ۱۳۷۶: ۹۵-۱۰۵).

راهبرد اتحاد یا ائتلاف: علم و هنر توسعه و به کارگیری قدرت‌های، سیاسی، نظامی، اقتصادی، روانی و تکنولوژیک گروهی از کشورها برای دستیابی به اهداف مشترک سیاسی مورد رقابت با طرف ثالث از طریق تهدید یا توسل به اعمال فشار.

بسیاری از کارشناسان مسائل راهبردی بر این امر معترفند که این تقسیم‌بندی‌ها و مرزبندی‌ها بیشتر ذهنی بوده و کاربردهای اجرایی و علمی و پژوهشی و تحلیلی محدودی دارند. در عمل اغلب این سطوح با یکدیگر همپوشانی بسیاری دارند تا اندازه‌ای که در برخی از عرصه‌ها و کشورها کمتر می‌توان، تمایزی میان سطوح یاد شده، مشاهده کرد. برخی معتقدند حداکثر آن که می‌توان سه سطح را از هم تمیز داد: که شامل سطح راهبرد عملیاتی سطح راهبرد نظامی و سطح راهبرد بزرگ می‌باشد (حسینی، ۱۳۷۶: ۹۲-۹۳).

راهبردهای تروریستی؛ شرائط و ضدتروریسم: تروریست‌ها برای مبارزه و جنگ با دشمنان خود که نوعاً دولت‌های مستقر هستند، راهبردهای معینی از قبیل راهبرد فرسایش؛ راهبرد ایدایی؛ راهبرد تخریب صلح؛ راهبرد ارباب؛ راهبرد بالاترین پیشنهاد و بالاخره راهبرد تحریک را به کار می‌گیرند و استفاده می‌کنند که در ذیل به تشریح چپستی، کیفیت، ویژگی‌ها و پاسخ‌های (ضد راهبرد) برخی از آن اشاره خواهیم کرد.

راهبرد تروریستی فرسایش نبرد خواسته‌ها: تروریست‌ها اغلب تلاش می‌کنند که به دشمن نشان دهند که قدرت شان زیاد است و هزینه نبرد با آنها بالاست و باید به خواسته‌های آنها توجه شود (۴۷۸-۴۵۲: Overgard, ۱۹۹۴). راهبرد فرسایش برای

رسیدن به این مقصود است (۲۰۹-۲۱۱: Smith, ۱۹۷۴). در راهبرد فرسایش؛ سازمان تروریستی توانمندی وارد کردن ضربه را دارد و تهدیدش با هزینه فراوان و برای به دست آوردن امتیازات است. به همین استدلال رابرت پیپ، منظور از بمب‌گذاری انتحاری را جنگ تروریست‌ها برای فرسایش دشمن می‌داند (۳۶۱-۳۴۳: pape, ۲۰۰۳). اگر دولت‌ها به موضوع نزاع و درگیری با تروریست‌ها به مثابه «مرگ و زندگی» بنگرند، در مقابل حملات تروریست‌ها از پای در نمی‌آیند، هر چند منازعه طولانی مدت و ناگوار گردد. در این حالت حکومت از تمام توان برای مقابله با تروریست‌ها استفاده می‌کند تا بدون دادن امتیازی بر آنها فائق آید.

ناحیه سیستان: دشت سیستان در شمال استان با ۱۶ هزار و ۵۷ کیلومترمربع وسعت برآمده از آبرفت‌های رودخانه هیرمند است که بزرگ‌ترین دریاچه آب شیرین در ایران (دریاچه هامون) را در خود جای داده است. از نظر اقلیمی این دشت در تیپ اقلیم خشک بیابانی قرار دارد و متوسط بارندگی سالیانه آن کمتر از ۶۵ میلی‌متر است؛ در عین حال میزان تبخیر در آن قریب به ۵۰۰۰ میلی‌متر در سال است. این شرایط در مجموع باعث خشکی طبیعی این سرزمین شده و در صورت کاهش آب ورودی هیرمند و یا خشکی رودخانه و قطع آب، خشکسالی‌های مخرب در آن به وقوع می‌پیوندد، کما اینکه خشکسالی بی‌سابقه ۸ ساله اخیر (۱۳۸۴-۱۳۷۸)، مهم‌ترین نمونه آن می‌باشد. وزش بادهای ۱۲۰ روزه سیستان از اواخر اردیبهشت تا اواخر تابستان در تشدید نیاز آبی منطقه مؤثر و بر خشکی محیط نقش تعدیل‌کننده‌ای دارد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۴).

ناحیه بلوچستان: بلوچستان به‌عنوان سرزمین و سرای سکونت بلوچ‌ها با وسعت و شمار جمعیت ناهمگنی میان سه کشور پاکستان، ایران و افغانستان قرار گرفته است (کاویانی، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

بلوچستان ایران منطقه‌ای دور افتاده از کشور است که با ایالت بلوچستان در جمهوری فدرال پاکستان و ناحیه بلوچ نشین افغانستان پیوند فضایی و جغرافیایی دارد. از نظر مذهبی اقلیت بلوچ ایران، اهل سنت هستند و از این جهت نیز با بلوچ‌ها و قلمرو اهل سنت پاکستان

و شبه قاره مجانست دارند با بخش مرکزی ایران متفاوتند از نظر ریشه زبان و لهجه زبان بلوچی را همانند پشتو، تاجیکی و کردی عضو خانواده زبان‌های ایرانی می‌دانند. لکن لهجه‌های بلوچی در مناطق بلوچ نشین ایران و پاکستان به مراتب به هم نزدیکتراند تا به زبان فارسی. بنابراین بلوچستان ایران و پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند. ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ نشین پاکستان و ایران تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی بلوچستان بزرگان را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی «بلوچستان آزاد» پدید آورده است (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۱۷۳-۱۷۴).

بلوچستان وسعت متنوع اش را با دریای عمان گره زده و در مجموع دارای طبیعتی خشک است. نواحی جنوبی استان با توجه به مجاورت با دریای عمان و متأثر شدن از بادهای و باران‌های موسمی اقیانوس هند، دارای اقلیم متفاوتی می‌باشد، چنانکه بالا بودن میانگین دما و پایین بودن نوسانات آن از جمله مشخصه‌های اساسی اقلیم بلوچستان است. با این وجود در جنوب بلوچستان شاهد شرایط آب و هوایی شرجی، در مرکز خشک و در شمال معتدل خشک، می‌باشیم (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۲).

در بلوچستان با توجه به پایین بودن نزولات جوی (متوسط کمتر از ۱۱۵ میلی متر) و نبودن منابع برف کوهستانی، اکثر جریانات رودخانه‌ای به صورت موقت و فصلی بوده و در نتیجه منابع آب زیرزمینی نیز با محدودیت مواجه می‌باشد. وجود مخروط آتشفشانی تفتان با ارتفاع ۴۰۵۰ متر در شمال بلوچستان شرایط اقلیمی تعدیل یافته‌ای را به وجود آورده است (نگارش، ۱۳۷۹: ۳۰۱).

روش‌شناسی تحقیق

چون پژوهش حاضر از جنس پژوهش‌های نظری است که هدف از آن آرایه‌ی چارچوب تحلیلی برای فهم هرچه بهتر یک پدیده است از غلبه‌ی «نظریه بر عینیت» در قیاس با غلبه‌ی «عینیت بر نظریه» برخوردار است لیکن به دلیل ماهیت چندگانه‌ی موضوعات جوامع

پیچیده‌ی انسانی، اتخاذ روشی که دغدغه‌ی هر دو بعد موصوف را داشته باشد و «تعامل نظریه-عمل» بیش از تحلیل «نظریه و عمل» منجر به این شده که موضوعات راهبردی با روش‌های ترکیبی‌ای همچون «تحلیل گفتمان» که از مزیت ترکیب نظریه و عمل برخوردارند- تحلیل شوند (افتخاری، همان؛ ۵۶-۵۷). از این رو به اقتضای ماهیت مسأله‌ی این تحقیق، استفاده از روش‌های نظری یا کاربردی صرف قادر به تبیین تمامی ابعاد آن نیست. بنابراین با توجه به اهداف تعریف شده برای مسئله‌ی مورد نظر در مورد ارائه‌ی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضدانقلاب مسلح در جنوب شرق ایران (استان سیستان و بلوچستان). از روش «نظریه‌پردازی تحلیل مضمون» بهره گرفته و به منظور ارتقای اعتبار آن، الگوی مناسب را با کمک نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ ارائه نموده است. فرآیند تحلیل مضمون: (کینگ و هاروکز ۲۰۱۰: ۱۵۲-۱۵۸). با بررسی و جمع‌بندی تلاش‌های دیگر پژوهش‌گران تحلیل مضمون، فرآیندی سه مرحله‌ای را برای تحلیل مضمون ارائه داده‌اند. که در این تحقیق نیز از این فرآیند استفاده می‌شود. این فرایند شامل سه مرحله‌ی کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر است که در ادامه تشریح می‌گردد.

مرحله‌ی اول: کدگذاری توصیفی؛ در این مرحله هدف شناسایی قسمت‌هایی از داده‌های پیاده شده است که می‌توانند در پرداختن به سئوال پژوهش مفید باشند. در کدگذاری توصیفی، تلاش برای توصیف چیزهایی که در متن مورد مطالعه، حائز اهمیت است و نه «تفسیر» معنای آنها تأکید می‌شود.

مرحله‌ی دوم: کدگذاری تفسیری، در این مرحله تلاش می‌شود تا فراتر از «توصیف» گزاره‌های متن عمل کرده و بر تفسیر معانی آن‌ها تمرکز شود. این کار عمدتاً با ترکیب کدهای توصیفی‌ای که به نظر می‌رسد یک معنای واحد را در خود دارند انجام می‌شود

مرحله‌ی سوم: یکپارچه‌سازی و تعریف مضامین فراگیر: این مضامین برپایه‌ی مضامین تفسیری تولیدی بیان می‌شوند لیکن در سطح تجریدی بالاتری از آن‌ها قرار دارند. در این

مرحله می توان به طور مستقیم از هر ایده ی تئوریکی که زیربنای تحقیق را تشکیل می دهد استفاده نمود تا آنجائی که این ایده ی تئوریک توسط تحلیل های ما حمایت می شود.

تجزیه و تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

در ابتدا محقق زمانی را صرف گفتگو با فرماندهان و مسئولین مختلف نموده و سوال های پژوهش را با آنها مطرح نموده است. به این منظور، از ۱۶ نفر مصاحبه به عمل آمد که به همراه اسناد بالادستی، در مجموع ۱۳ سند برای مطالعه راهبردهای منطقه جنوب شرق به دست آمد.

مرحله	گام	اقدام
۱- تجزیه و توصیف متن	۱- آشنا شدن با متن	مکتوب کردن داده ها (در صورت لزوم)؛ مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده ها و نوشتن ایده های اولیه
	۲- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری	پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب مضامین؛ تفکیک متن به بخش های کوچک تر و کدگذاری ویژگی های جالب داده ها
	۳- جست و جو و شناخت مضامین	تطبیق دادن کدها با قالب مضامین؛ استخراج مضامین از بخش های کدگذاشته متن و پالایش و بازبینی مضامین
۲- تشریح و تفسیر متن	۴- ترسیم شبکه مضامین	بررسی و کنترل همخوانی مضامین با کدهای مستخرجه؛ مرتب کردن مضامین؛ انتخاب مضامین پایه سازمان دهنده و فراگیر؛ ترسیم نقشه (های) مضامین و اصلاح و تأیید شبکه (های) مضامین
	۵- تحلیل شبکه مضامین	تعریف و نامگذاری مضامین؛ توصیف و توضیح شبکه مضامین
۳- ترکیب و ادغام متن	۶- تدوین گزارش	تلخیص شبکه مضامین و بیان مختصر و صریح آن؛ استخراج نمونه های جالب داده ها؛ مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری و نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل ها

جدول - ۱: فرایند گام به گام تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین

ردیف	اسناد	جایگاه سازمانی	سابقه آشنایی با مسایل امنیتی استان
۱	اسناد بالادستی	جایگاه ابلاغی و لازم‌الاجرا	بیش از یک دهه
۲	غلامعلی رشید	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از چهل سال
۳	محمد رضا شعبانی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از چهل سال
۴	محمد رضا نقدی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از چهل سال
۵	محمد کرمی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از چهل سال
۶	باب الله کیاشمشکی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از چهل سال
۷	خلیل آبادی	پژوهشگر واساتید سپاه	حدود ۴۰ سال
۸	فرجی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از ۳۰ سال
۹	اعظمی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از ۳۰ سال
۱۰	برادر هاشمی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از ۳۰ سال
۱۱	عباسی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از ۳۰ سال
۱۲	رجبی معمار	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از ۳۰ سال
۱۳	برادر کیانی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از ۳۰ سال
۱۴	محبعلی کنی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از ۳۰ سال
۱۵	مصاحبه هادی سهامی	پژوهشگر واساتید سپاه	نزدیک ۲۰ به سال
۱۶	سید مهدی حسینی	پژوهشگر واساتید سپاه	بیش از پانزده سال

جدول - ۲: مشخصات اسناد پژوهش حاضر

متن مصاحبه چند بار مطالعه و مطالب مربوطه که درواقع پاسخ به سؤال‌های پژوهش بودند، مشخص و کدگذاری شدند. کدگذاری داده‌ها برحسب مصاحبه و شماره‌های مرتبط با آنکه از قبل تعریف شده بود، انجام پذیرفت. درخاتمه، برای هریک از کدها، یک برچسب

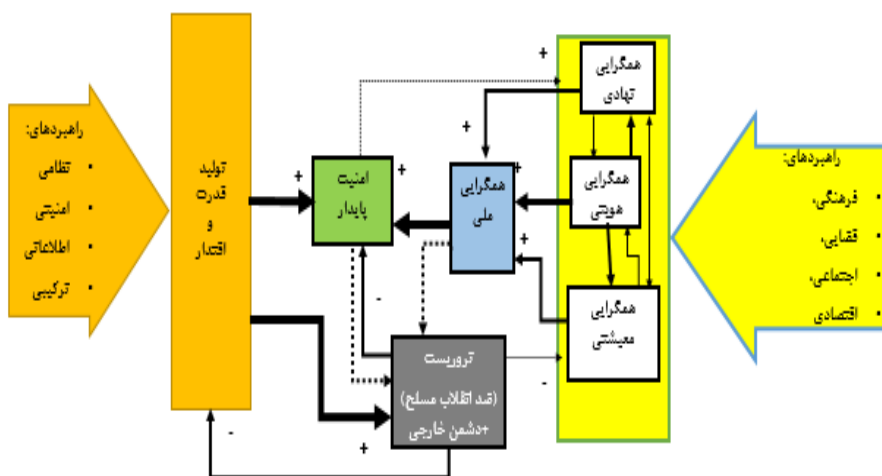
انتخاب و سپس مضامین فرعی که بیشترین قرابت مفهومی را نسبت به هم داشتند کنار هم قرار داده شده و به خلق معانی و واژه‌های مناسب پرداخته شد. به عبارتی، مضامین فرعی در قالب مضامین اصلی دسته‌بندی شدند. مضامین اصلی همان پاسخ‌های ارائه شده به سؤال اصلی تحقیق می‌باشند. برخی از پاسخ‌های ارائه شده به سؤال پژوهش "راهبردهای نظام جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته در مواجهه با ضدانقلاب چه بوده است؟"

جدول- ۳: مشخصات مضامین فرعی و اصلی

ردیف	کدهای مصاحبه یا متن	مضمون فرعی	مضمون اصلی
۱	درگیری بسیجیان (۱۵، ۲۰ نفر) با اشراق موفقیت تر از یگان‌های بزرگ ناجاست	کارآمدی یگان کوچک و چابک هجرت	امنیتی
۲	شکل‌گیری یگان هجرت	کارآمدی یگان چابک	امنیتی
۳	تقدیر حفا ناجا و حجازی مقاومت و دستور همکاری ناجا با بسیج	هماهنگی نیرویی	فرهنگی
۴	با صدها عملیات بالاخره مشکل راه‌بندی در استان سیستان و بلوچستان حل شد	اقدام اطلاعاتی و امنیتی برای حل مشکل	امنیتی
۵	تجهیز اتوبوس به سلاح تیربار گریزوف و در لباس مسافر و راننده حرکت کردن	تجهیز امنیتی خلایقانه	امنیتی
۶	مذاکره و طرح ریزی و عملیات برای آزادسازی هفت پرتغالی ربوده شده	استفاده همزمان از راهکار مذاکره و عملیات	امنیتی و اطلاعاتی
۷	تردد یگان هجرت با لباس بلوچی، لنکروز و تویوتا و چراغ خاموش	همرنگی و پوشش با محیط و منطقه	امنیتی و اطلاعاتی
۸	استفاده از هواپیماهای کنترل‌ی مهاجر و ریموتی برای کسانی که از کمین رد می‌شدند	استفاده از فناوری در ماموریت	امنیتی
۹	دنبال زدن عبدالله کوتاه بودند و چون در ماشین زن و بچه بودند نزدند و گذاشتند برود که باعث شد به جمهوری اسلامی ایران گرایش پیدا کند	رعایت جان و مال ناموس بی گناهان	امنیتی فرهنگی
۱۰	نترسیدن از نهادهای ذی نفوذ و باز پس‌گیری خان محمد شهنوازی و ربایش و بازداشت آن	دستگیری عامل ضدانقلاب	امنیتی اطلاعاتی

تحلیل مضامین و داده‌های تحقیق و ارائه مدل کاربست تعامل راهبردهای مقابله با ضد انقلاب با ایجاد امنیت پایدار: در این پژوهش وفق مکس‌مپ‌های مندرج در فصل تجزیه تحلیل داده‌ها نقش راهبرد نرم که متناظر به کارکرد نهادهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و ایضاً قضایی که در مبانی نظری اشاره شد دارای ماهیت سیاسی است در مبارزه با ضدانقلاب مسلح برجسته‌تر انگاشته شد. در بین مضامین مستخرجه از اسناد و مصاحبه‌ها دو مجموعه کد راهبردهای نرم فرهنگی، اجتماعی و معیشتی و خصوصاً در دو دهه اخیر در اسناد بالا دستی پربسامدترین مضامین در بین راهبردهای نظام در استان سیستان و بلوچستان بوده است در مصاحبه‌ها اغلب ترکیب‌های بهره‌مندی از راهبرد نرم را به مفهوم کلی «امنیت پایدار» پر بسامد تبیین می‌نمایند. شاید برای مخاطبان فرهیخته این سوال پیش بیاید که چه رابطه‌ای و چه ضرورتی وجود داشت (یا دارد) که در طی چهل ساله بعد از انقلاب اسلامی، مسئولین و مدیران ارشد نظام در رویکرد به طراحی، تصمیم و یا اقدام مقابله با ضد انقلاب مسلح خود را نیازمند راهبردی از جنس فرهنگی، در تدوین راهبرد مقابله با ضد انقلاب مسلح دانسته‌اند؟

پاسخ دقیق به این سوال نیازمند توضیحات مستوفی و عوامل متعدد می‌تواند باشد ولی آنچه صاحب‌نظران به آن توجه کرده اند عبارت از رابطه مسئله هویت تروریست‌ها و ادغامشان با آرزوها و آمال و خواست‌های برآورده نشده قومیت و هویت مشترک منتسب‌شان است. برای توجه به اهمیت این رابطه ابتدا مختصراً به ابعاد همگرایی هویتی و سپس به عوامل هم‌گرایی یا واگرایی مردم با تروریست‌ها و یا نظام حاکم خواهیم پرداخت که متناظر به راهبردهای نرم دارد؛ زیر اساسی‌ترین هدف راهبرد نرم، تغییر هویت برساخته‌نمای تروریسم و اقناع مردمان هم قوم تروریست‌ها، مبنی بر پذیرش و اعمال جدایی از هویت تروریست‌ها است. این راهبردها به دنبال اجرای سیاست جدایی مردم از تروریست و نزدیک کردن هویت و خواست مردم به نظام می‌باشند.



نمودار - ۱: مهندسی عوامل مولد تروریسم و عمق بخشی هم گرایی

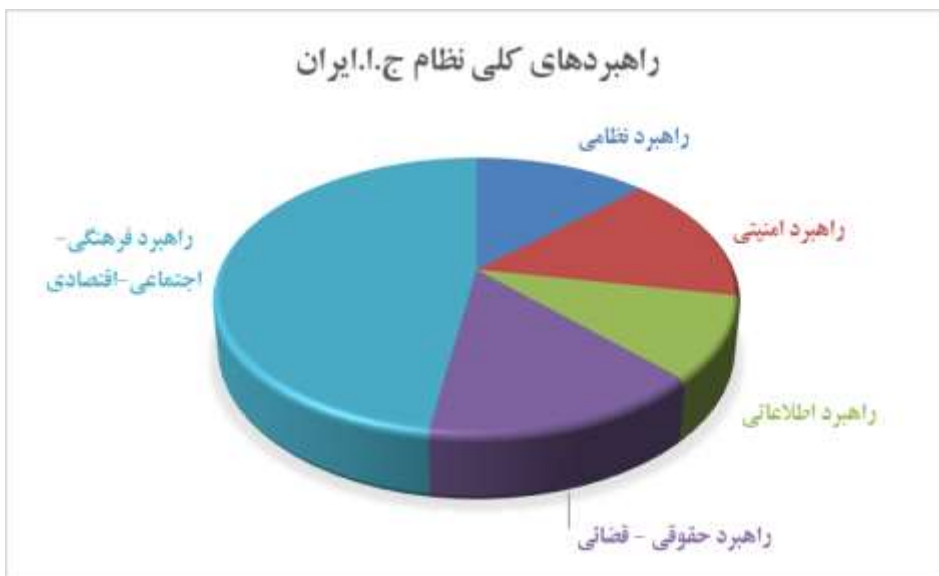
نتیجه گیری

پژوهش حاضر بر اساس جهت گیری هایی در قالب پاسخ به سوال پژوهش "راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با ضد انقلاب مسلح" می باشد.

رابطه راهبردهای سه گانه نرم و نیمه سخت و سخت در تولید امنیت پایدار و مقابله با ضدانقلاب مسلح : علی رغم اهمیت اثر عوامل هویتی بر امنیت پایدار، لازم است سیاستگذاران به صرف تمایزات هویت قومی یک قوم خاص با هویت ملی، ناامید نشده بلکه با تحلیل حساسیت و مهندسی سایر متغیرها به دوام امنیت کمک کنند. به طور خلاصه می توان گفت راهکار و راهبرد تأمین امنیت در بعد داخلی و در مناطق قومی؛ کارآمدی و اثربخشی حاکمیت در ابعاد نهادهای جامعه پذیری و انجام صحیح تکالیف معیشتی است تا مردم نسبت به حاکمیت حس اعتماد و اطمینان دست پیدا نمایند حاکمیت نیز موظف است در مواجهه با بازیگران خارجی و تروریسم مسلح با خوداتکایی و تولید قدرت و اقتدار و بهره گیری از قدرت مشروع و نافذ (اقتدار) موجب حذف و مهندسی عوامل مولد تروریسم و مانع تأثیرگذاری تروریسم و حامیان خارجی آن بر اقوام و گروه های داخلی گردد. آنچه در

این بخش اشاره شد مربوط به نقش راهبردهای نرم در استراتژی جداسازی مردم از تروریسم است اما آنچه موجب مقابله و هدم و نابودی ضد انقلاب مسلح می‌گردد راهبردهای اصلی سه‌گانه امنیتی و نظامی و اطلاعاتی است و البته بدون پشتیبانی راهبردهای موصوف به نرم، هرگز «امنیت‌پایدار» ایجاد نخواهد شد.

راهبردهای مستخرجه در ۵ راهبرد طبقه‌بندی می‌شوند که عبارتند از «راهبرد فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی و سیاسی» و «راهبرد حقوقی-قضائی»، به مثابه راهبردهای نرم؛ «راهبرد اطلاعاتی» و «راهبرد امنیتی»، به مثابه راهبردهای نیمه-سخت و «راهبرد نظامی» به مثابه راهبرد سخت؛ که درنهایت تمام این سرکدها، زیرمجموعه کد والد «راهبردهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» قرار می‌گیرند. با توجه به یافته‌های حاصل از کدگذاری متون در این تحقیق، راهبردهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۸، ۱۲/۹۰ درصد راهبرد نظامی؛ ۱۵/۱۲ درصد راهبرد امنیتی؛ ۹/۶۸ درصد راهبرد اطلاعاتی، ۱۴/۷۲ درصد راهبرد حقوقی-قضائی؛ و ۴۷/۵۸ درصد راهبرد فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی بوده است.

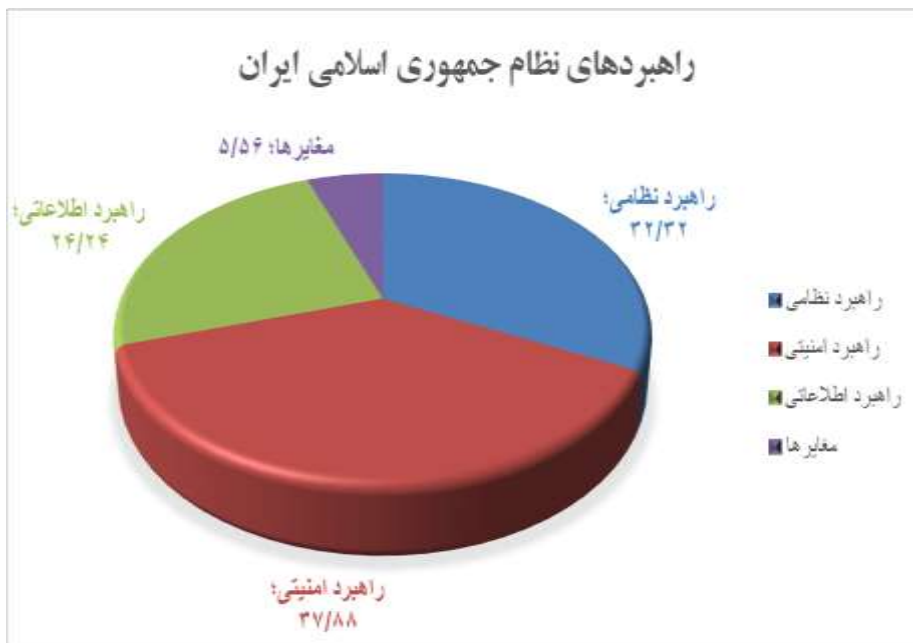


نمودار- ۲: مقایسه‌ی درصد تخصیصی هریک از راهبردهای کلی پشتیبان نرم و اصلی سخت و نیمه سخت

با توجه به یافته‌های حاصل از کدگذاری متون در این تحقیق، راهبردهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۸ و با توجه به اینکه گرچه راهبردها و سیاست‌های فرهنگی در مقابله با تروریسم غالباً کنشگرا و پیش‌دستانه است، موجب حذف فیزیکی تروریست‌ها و یا به عبارت دیگر، نابودی کامل تروریسم نمی‌شود. در واقع مجموعه راهبردهای فرهنگی می‌تواند باعث کاهش حمایت مردم از اقدامات تروریستی و مانع جذب نیروهای جدید در گروه‌های تروریستی و سایر نتایج از این دست شود اما به تنهایی قادر به از بین بردن تروریسم نیست این راهبرد زمانی کاملاً موثر واقع می‌شوند که در متن چندبعدی سایر راهبردها گنجانده شوند؛ یعنی شامل ابعاد سیاسی، نظامی و روابط اجتماعی گسترده باشند اگر این شرایط تحقق یابد، و البته سیاست‌های فرهنگی در کنار و با پشتیبانی اقدامات قضایی و حقوقی می‌توانند راهبردهای بستر ساز و کارآمدسازی برای تحقق سایر راهبردهای اطلاعاتی و امنیتی و نظامی در مقابله با تروریسم و ضد انقلاب مسلح باشند. نکته اساسی در تبیین و انتساب کارویژه پشتیبان، بستر ساز و کارآمد ساز برای سایر راهبردهای غیر از راهبردهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی ماهیت دشمن با عنوان ضد انقلاب مسلح می‌باشد یعنی در این تحقیق حضور صفت و پسوند «مسلح»، موجب احراز چنین کارویژه برای راهبردهای موصوف می‌گردد. لذا درصد هر کدام از راهبردهای نظامی، امنیتی و اطلاعاتی و مقایسه آنها با هم در این منطقه بسیار مهم می‌نماید. از درصد‌های تخصیصی چنین استنتاج می‌شود که اقتضای محیط نامتجانس قومی و مذهبی در استان و ملاحظات که در تحلیل مضامین و داده‌های تحقیق و ارائه مدل کاربرست تعامل راهبردهای مقابله با ضد انقلاب با ایجاد امنیت پایدار در خصوص اهمیت هویت و همگراسازی در شکل‌گیری راهبردها در مقام طرح و تصمیم و اجرا داشته است به رغم اینکه دشمن (ضدانقلاب) مسلح می‌باشد ولی اسناد (مصاحبه و بالادستی) اشاره به راهبردهایی می‌کنند که موجب جدایی تروریسم از مردم گردد، بنابراین هریک از راهبردهای کلی پشتیبان نرم دارای برجستگی خاص دارد ولی آنچه که دشمن (ضدانقلاب) مسلح را هدم و نابود و یا موجب اجبار و اقناع کناره‌گیری از اقدامات تروریستی و مسلحانه

می‌نماید، راهبردهای متناسب و هم‌تراز اصلی سخت و نیمه سخت است که در این قسمت سهم هر کدام به صورت مجزا در نمودار ۴ نشان داده‌ایم.

و با عنایت به توضیحات فوق راهبرد نظامی ۳۲.۳۲ درصد؛ راهبرد امنیتی ۳۷.۳۸ درصد و راهبرد اطلاعاتی ۲۴.۲۴ درصد از حجم راهبردها را تشکیل داده است (نمودار ۳-)



نمودار ۳- مقایسه‌ی درصد تخصیصی هریک از راهبردهای اصلی سخت و نیمه سخت

پیشنهاد

با عنایت به رتبه‌ی بالای راهبرد فرهنگی در میان مضامین و کدهای والد نهایی مستخرجه، برای بهره‌گیری از ظرفیت راهبرد فرهنگی در کنار راهبردهای متناظر به مواجهه مستقیم و اصلی مقابله با ضد انقلاب مسلح، به‌منظور تولید امنیت پایدار-همانطور که در عنوان تحلیل مضامین و داده‌های تحقیق و ارائه مدل کاربست تعامل راهبردهای مقابله با ضد انقلاب در همین فصل توضیح داده شد- تلاش مضاعفی صورت گیرد تا با توجه به مسایل هویتی و معیشتی در کنار کارآمدی نهادها در نیل به امنیت پایدار موفقیت حاصل

گردد. در این راستا استفاده از صاحب نظران فرهنگی کشور در فرصت بی بدیلی برای خشونت زدایی، مهندسی امنیت پایدار و همگرایی ملی حصول خواهد نمود و می تواند از برنامه های کاربردی باشد.

منابع

- افتخاری، اصغر و علی شبستانی؛ «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم»؛ فصلنامه آفاق امنیت، سال ۴ شماره ۱۲۵ پاییز ۱۳۹۰.
- افتخاری، اصغر؛ (۱۳۹۱) «مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی؛ امنیت»، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۹)، «آمایش سرزمین و برنامه ریزی محیطی در جنوب شرق ایران»، تهران: نشر اطلاعات.
- بزرگمهری، مجید، ۱۳۸۵ «موضع گیری سازمان کنفرانس اسلامی در مبارزه با تروریسم بین المللی،» (ترجمه)، ماهنامه زمانه، سال پنجم، شماره
- حافظنیا محمدرضا (۱۳۸۴) «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، تهران: انتشارات سمت
- شعبانی، ناصر، «محیط شناسی امنیتی انتظامی، سیستان و بلوچستان»، تهران: شرکت چاپ و انتشارات راه فردا، انتشارات ناجی نشر، ۱۳۹۴.
- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۱)، «مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران»، جلد اول، چاپ دوم، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه امام حسین (علیه السلام) .
- گال، مردیت و بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۸۶) «روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی» ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، تهران: انتشارات سمت

منابع لاتین:

- Overgaard, Per Baltzer (September ۱۹۹۴), Attacks as a Signal of Resources,” Journal of Conflict Resolution, Vol. ۳۸, No. ۳.
- Pape, Robert A (August ۲۰۰۳), Terrorism,” American Political Science Review, Vol. ۹۷, No. ۳.
- Smith, J. Maynard (۱۹۷۴), Animal Conflicts,” Journal of Theoretical Biology, Vol. ۴۷